

بایسته‌های فقه حکومتی و ارتقاء فرهنگ سیاسی در الگوی پیشرفت

بهنام طالبی طادی^۱

چکیده:

با توجه به رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمه الله که فقه را تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور می‌دانستند^۲، و همچنین بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله پیرامون فقه حکومتی و حرکت به سمت نظام سازی اسلامی، باید توجه داشت که در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در صدد طراحی یک فرآیند پیشرفت در تمامی عرصه‌های جامعه است، فقه حکومتی و به معنای اخص آن فقه سیاسی به عنوان یک الگوی جزئی در ذیل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جایگاه صحیح خود را پیدا کند. در این مقاله با تبیین جایگاه فقه حکومتی و بایسته‌های مورد نیاز جهت تحقق آن، نسبت فقه حکومتی و فقه سیاسی را مشخص نموده و نقش آن دو در پیشرفت فرهنگ سیاسی را بیان می‌نماییم.

کلمات کلیدی: فقه حکومتی، فقه سیاسی، فرهنگ سیاسی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مقدمه:

با توجه به اینکه برای رسیدن به زندگی ایده آل بشری که سراسر ذکر و توجه به عالم غیب است، چاره ای نداریم جز عمل به دستورات شریعت و از طرف دیگر انجام دستورات شریعت به صورت فردی نمی‌تواند غایات پیشرو را محقق سازد، لذا بایسته است که زمینه را جهت تحقق اجتماعی احکام دین مهیا کنیم.

جهت رسیدن به آرمان فوق الذکر و ایجاد تمدن جهانی اسلام باید سه مقطع اجتماعی - سیاسی را طی کنیم. یکم: خروج از حکومت طاغوت و ولایت شیاطین دوم: ایجاد نظام‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر ساخت واره های دانش دینی سوم: شکل گیری تمدن جهانی اسلام و تحقق تام احکام الهی در لایه‌های مختلف زندگی بشری.

با تجلی نهضت اسلامی امام خمینی رحمه الله در ایران، اولین گام حرکت به سمت تحقق اجتماعی احکام، یعنی همان انقلاب و دگرگونی حکومت طاغوت رخ داد. گام دوم پس از انقلاب، نظام سازی اسلامی است که با توجه به رهنمودهای حضرت امام خامنه ای مدظله العالی، حرکت امروز انقلاب اسلامی در این مقطع قرار دارد، لذا باید همه تلاش‌ها را به این جهت معطوف نمود تا بتوان نظام دستورات

^۱. دانشگاه امام صادق علیه السلام، b.talebi@isu.ac.ir

^۲. صحیفه نور ج ۲۱ ص ۲۸۹



اجتماعی و حکومتی اسلام را از گنجینه معارف دین استخراج کرده و حرکت در مسیر نظام سازی را به اتمام رسانده و وارد تمدن سازی اسلامی شد.

با توجه به اینکه از دیرباز، علم فقه تجلی گاه فردی و اجتماعی دستورات دینی بوده است، می‌توان گفت تنها راه نظام سازی اسلامی، تولید فقه حکومتی است. همچنین نباید از این نکته غافل شد که فقه شیعه با گذراندن ادوار مختلف، با وجود شرایط خفقان نتوانست آنچنان که بایسته بود در عرصه‌های اجتماعی و حکومتی وارد میدان تئوری سازی شود لذا در اکنونی انقلاب اسلامی و با توجه به ظرفیت‌های پیش رو این امر مهم بیش از پیش همت پژوهشگران این عرصه را می‌طلبد.

همچنین خام بودن مواد علمی در حوزه فقه حکومتی و فقدان مفاهیم و ادبیات لازم جهت تئوری پردازی‌های کلان حکومتی، واز طرفی ابهام در ابعاد و زوایای ورود به عرصه نظریه پردازی در این حوزه، کار را مشکل ساخته است. لذا به نظر می‌رسد برای تولید ادبیات و مفاهیم مورد نیاز در این حوزه، باید در دو عرصه وارد عمل شد: ۱- پرداختن به مسائل امروز نظام اسلامی است ۲- تولید مفهیم و گزاره‌های بنیادین و زیر ساخت‌های نظری (مانند: اصول فقه حکومتی، منطق حکومتی، فلسفه‌های سیاسی و اجتماعی اسلامی و...).

۱- بایسته‌های نظری و عملی در تولید فقه حکومتی

جهت ایجاد یک نظام منسجم نظریه پردازی در حوزه‌های مختلف فقه حکومتی، باید در دو ساحت نظر و عمل به ایجاد تحولات بنیادین روی آوریم. در اینجا به چند نمونه از این تحولات اشاره می‌نماییم.

۱-۱ **بازخوانی منابع فقهی در راستای روش شناسی تولید در فقه حکومتی:** جهت روش شناسی استنباط در فقه حکومتی می‌بایست به سراغ اصل منابع فقه یعنی همان کتاب و سنت رفت و روش جامع نظریه پردازی را از آن استخراج نمود. باید توجه داشت صرفاً رجوع به آثار فقها نمی‌تواند به هدف ما جامه عمل ببوشاند، زیرا که فقه شیعه در طول تاریخ بیشتر در مسائل فردی ورود نموده و روش اجتهاد فعلی نیز یک روش فرد محور است لذا برای تولید فقه الاجتماع نیاز به روشی متفاوت از روش فعلی داریم. در این حالت می‌توانیم منطق درونی این علم را، به منظور استکشاف احکام الزام آور آن مورد کالبد شکافی قرار دهیم.

با تغییر روش استنباط، لوازم آن مثل اصول فقه نیز تغییر خواهد کرد و در این راستا می‌توانیم به اصول فقه حکومتی و منطق حکومتی و... نیز دست پیدا کنیم.

۱-۲ **تولید قواعد فقهی کلان و اجتماعی:** اگر بتوانیم به قواعد فقهی کلان در حوزه مسائل اجتماعی و حکومتی دست پیدا کنیم بسیاری از مسائل در خرده نظام‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را می‌توانیم حل و فصل نماییم و به عنوان یک الگوی بالا دستی احکام خرد دیگر را در ذیل آن

ساماندهی کنیم. یکی از این قواعد قاعده امانت دانستن مناصب عمومی است. از روایات و آیات استفاده می‌شود که تمام مناصب عمومی جنبه امانت دارند. (ان الله يامرکم ان تود الامانات الی اهلها^۱). در روایتی امیر المومنین علیه السلام خطاب به یکی از کارگزاران خودشان این گونه مرقوم می‌فرماید: «ان عملک لیس بطعمه و لکنه فی عنقک امانه»^۲. در روایتی از حضرت رسول صل الله علیه و آله دایره امانت توسعه داده شده است و همه مردم به نحوی امانت دار دانسته شده‌اند. امانتی که یا از جانب خالق بر عهده آنان قرار داده می‌شود یا از جانب مخلوق. حضرت می‌فرماید: «وَالْأَمَانَةُ فِي الصَّلَاةِ وَالْأَمَانَةُ فِي الصَّوْمِ وَالْأَمَانَةُ فِي الْحَدِيثِ وَ أَشَدُّ ذَلِكَ الْوَدَائِعُ»^۳. امانت در بسیاری از امور جاری می‌شود، از جمله نماز، روزه و در سخن گفتن. یکی از مهم‌ترین امانات، اموالی است که اشخاص در نزد یک دیگر پیدا می‌کنند. توسعه موارد امانات در این حدیث می‌تواند از قواعدی اجتماعی احکام به حساب آید. نمونه دیگری که به عنوان یک دستاورد نگاه اجتماعی - سیاسی به منابع فقهی می‌توان ارائه داد قاعده «التصرف علی الرعیة منوط بالمصلحة»^۴. یعنی لزوم تأمین مصالح عمومی در تمامی تصرفات حکومتی.

۱-۳- استخراج مؤلفه‌های نظام ساز در علم فقه: همانطور که بیان شد، انتظار ما از فقه ایده آل نظام سازی و تولید نظریه جهت سیاست گذاری های کلان و خرد اجتماعی - سیاسی است. لازمه تحقق این امر مهم ایجاد یک ساختار نظام مند در خود علم فقه است لذا یکی از بایسته‌های رسیدن به فقه حکومتی استخراج مؤلفه‌های نظام ساز این علم است. در این حالت نه تنها تمامی مسائل امت اسلامی می‌تواند در یک دستگاه علمی دینی وارد شده و پاسخ خورد را بگیرد بلکه می‌تواند در پیشامدهای مختلف راه حل داشته باشد و غافل گیر نشود و همچنین می‌تواند یک چهره منطقی و استدلالی از مکتبی که داعیه دار حق حکومت بر جهان است را ارائه داد. اگر این نظام سازی در منطق درونی فقه و سپس در عرصه خارجی اجتماع صورت نپذیرد ناگزیر خواهیم بود که باز هم خاطره تلخ استفاده از نظام‌های وارداتی را تکرار نماییم.

در طول این سی و اندی سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد از لحاظ نظری و تجربی به ما ثابت شده است که ساختارهای اجتماعی الحادی اگرچه به صورت اسلامیزه شده، نمی‌توانند برای جامعه اسلامی کارآمد باشند. اگر بخواهیم مبانی نظری این مدعی را واکاوی نماییم می‌توانیم به نظریه حرکت

^۱ نساء/۵۸

^۲ نهج البلاغه (للمصباحی صالح) ص ۳۶۶-

^۳ عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱ ص ۱۲۲

^۴ تحریر المجله ج ۱ قسم ۱ ص ۴۰



جوهری در حکمت متعالیه اشاره نماییم. بر مبنای این نظریه چنین نیست که روح و نفس از جای دیگری به بدن الصاق شود بلکه نفس و روح برآمده از همین بدن است. بدن باید شرایطی را فراهم آورد که نفس و روح از آن خلق شود. ملاصدرا در مشهد پنجم از شواهد الربوبیه مدعی است که همین نسبت در رابطه میان شریعت و سیاست نیز برقرار است. یعنی جامعه و سیاست ما باید شرایطی را فراهم آورد که اندیشه و فرهنگی تولید شود که بتواند این ساختارهای سیاسی و اجتماعی را با خود به سمت آرمان‌های مطلوب هدایت نماید. لذا قالب‌ها نمی‌تواند از محتوا جدا باشند و لزوماً افکار و اعتقادات الحادی شرق و غرب از مقومات ذات نظام‌ها و علمی است که ما آن‌ها را برای خود اقتباس کرده‌ایم.^۱

۴-۱- ایجاد یک نهاد پژوهشی و تحقیقاتی تحت عنوان «حکومت»: جهت سیاستگذاری‌های کلان حکومتی و اداره تئوریک و دانش محور جامعه می‌بایست در دو عرصه وارد عمل شد: یکم موضوع و مسئله شناسی جامعه اسلامی. دوم تولید نظریه و تئوری اجرا محور. نه صرفاً نظریه‌هایی که در آشپزی مؤسسات تحقیقاتی ذخیره شده و گرد غربت بر آن می‌نشیند. اینجا دقیقاً نقطه اتحاد حوزه و دانشگاه می‌تواند باشد چراکه رشته‌های دانشگاهی می‌تواند با موضوع و مسئله شناسی در یک نظام تعاملی منسجم از حوزه تقاضای تئوری و دانش نماید و سپس فرآورده‌های نظری حوزه می‌بایست جهت قابل اجرا بودن در دانشگاه‌ها و مجامع علمی بازتولید گردد و قابلیت‌های اجرایی آن واکاوی شود.

از آنجا که یک نظریه می‌تواند کاملاً فارغ از عرصه‌های اجرایی جولانگاه الزامات مختلف باشد باید توجه داشت با تولید یک فرآیند تعاملی در حوزه نظریه پردازی و اجرا با استفاده از نظریه پردازان علمی و مسئولین اجرایی کشور، تمامی تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد در عرصه مدیریت کشور را از یک پشتوانه قوی علمی برخوردار نمود. در این فرایند اتاق‌های فکر و نظریه پردازی در مرکز پژوهشی «حکومت»، برای اولین بار در تاریخ انقلاب ترکیبی از دانشمندان و مسئولین اجرایی کشور خواهد بود.

۲- فقه حکومتی و ایجاد فرهنگ کلان سیاسی در الگوی پیشرفت:

اگر نگاه ما به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک نرم افزار یا منطق اداره جامعه و ابزار جریان فرهنگ در عینیت تمدنی است، در نسبت سنجی این الگو با فقه حکومتی می‌توان نسبت عموم و خصوص مطلق را برای آن‌ها در نظر گرفت. چراکه این الگو به مثابه یک سند بالا دستی که می‌خواهد تمامی الگوهای محتوایی و اجرایی جامعه را پوشش دهد می‌تواند شامل فقه حکومتی نیز بشود.

^۱ ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه شماره ۵۶-۵۷ صفحه ۱۲۷ با تلخیص و تصرف

در این حالت می‌توان با فرهنگ سیاسی که برگرفته از مبانی دینی است به سمت نهادینه کردن الگوی پیشرفت، آن هم در حوزه تخصصی فقه حکومتی پرداخت.

به عبارت دیگر پیشرفت در فرهنگ سیاسی با فقه حکومتی در الگوی پیشرفت دارای یک رابطه دیالکتیک و دو جانبه است. از طرفی پیشرفت فرهنگ سیاسی می‌تواند در حوزه دانش نیز موجبات فرهنگ سازی دینی و ورود فقه به لایه‌های مختلف علوم اجتماعی فراهم سازد و از طرفی با تولید و افزایش دانش فقهی می‌تواند به شکل‌گیری و پیشرفت مبانی و اصول فرهنگ سیاسی جامعه که به عنوان یک متاپارادایم برای کلیه جهت‌گیری‌های سیاسی محسوب می‌شود، حرکت نمود.

۳- رهیافت‌های تجویزی فقه سیاسی در راستای پیشرفت فرهنگ سیاسی:

اگر بتوانیم در حوزه فقه سیاسی مسائل جدیدی که جامعه اسلامی با آن روبه‌رو شده و خواهد شد را احصاء نموده و در یک نظام منسجم علمی و در شاخه‌ای مجزا تحت عنوان فقه سیاسی مطرح کنیم، می‌توان انتظار داشت که فرهنگ سیاسی در الگویی مشخص مسیر پیشرفت را به درستی می‌پیماید. در این جا به اختصار به چند مورد از مسائلی که می‌تواند یک نظام علمی منسجم را بنیان نهد اشاره می‌نماییم:

۳-۱- **چیستی و ضرورت و جایگاه فقه سیاسی:** جایگاه فقه سیاسی در بین معارف دینی سیاسی از قبیل فلسفه سیاسی، اخلاق مدنی، حقوق و...

۳-۲- **الزامات و پیش فرض‌های فقه سیاسی:** مثل ضرورت عدم تفکیک دین و سیاست و لزوم تبدیل احکام فقه به قانون همچون احکام فقهی و توجه به شخصیت‌های حقوقی در کنار شخصیت‌های حقیقی.

۳-۳- معرفی و نقد متون مهم در آثار فقه سیاسی

۳-۴- **گفتمان‌ها و پارادایم‌ها در حوزه فقه سیاسی:** از قبیل گفتمان تقیه، گفتمان تغلب، گفتمان اصلاح، گفتمان انقلاب و نسبت گفتمان‌های مذکور با گفتمان آرمانی (نبوی، علوی و مهدوی)

۳-۵- **جامعه‌شناسی فقه سیاسی**

۳-۶- **مبادی و مبانی فقه سیاسی:** مبادی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و...

^۱ میر احمدی، منصور، درس گفتارهایی در فقه سیاسی صص ۱۵۱-۱۶۲ (با تلخیص و تصرف)



منابع:

قرآن کریم

- ۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۲- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.
- ۳- نجفی، کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا، تحریر المجلة، ۵ جلد، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف - عراق، اول، ۱۳۵۹ هـ ق
- ۴- ماهنامه فرهنگي تحليلي سوره اندیشه شماره ۵۶-۵۷
- ۵- میر احمدی، منصور، درس گفتارهایی در فقه سیاسی، ۱ جلد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹.

